



تأثیر فقه اسلامی بر حقوق انگلیس

پدیدآورنده (ها) : مرادی گلستانی، مرتضی

حقوق :: نشریه دادرسی :: بهمن و اسفند ۱۳۹۳ - شماره ۱۰۸

صفحات : از ۶۱ تا ۶۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1376329>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۵/۱۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- تعامل فقه و حقوق
- رابطه فقه و حقوق
- تاثیر فقه اسلامی در شکل‌گیری حقوق کامن‌لا
- تأثیر فقه اسلامی در حقوق انگلیس

عناوین مشابه

- تاثیر مستی بر مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران، اسکاتلند و فقه اسلامی
- مجازات خودکشی (ناموفق) بر اساس قاعده «التعزیر لکل عمل حرام» در حقوق ایران، با رویکردی بر فقه اسلامی
- اصل علنی بودن دادرسی در حقوق ایران، فقه اسلامی و حقوق انگلیس
- بررسی وضعیت حقوقی شیعیان عربستان؛ از منظر حقوق بشر و تاثیر بیداری اسلامی بر آن
- مقدمه‌ای بر حقوق بین الملل از دیدگاه فقه اسلامی
- اثر اعسار زوج بر حق امتناع زوجه از تمکین در فقه اسلامی، حقوق ایران و افغانستان
- تحلیلی بر اهداف و شیوه های آموزشی و پژوهشی مباحث فقهی با تکیه بر رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی
- تاثیر حقوق غربی در قیاس با فقه امامیه بر تدوین قانون مدنی ایران
- گذر ایدئالیسم یقینی از فلسفه یونان به اندیشه اسلامی؛ (بررسی تاثیر ایدئالیسم یقینی بر تعریف علم و حجیت خبر در فقه و کلام)
- جایگاه عدالت و اخلاق در فقه و حقوق اسلامی با رویکردی بر آرای امام خمینی (س)

تأثیر فقه اسلامی بر حقوق انگلیس

مرتضی مرادی گلستانی، کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی



چکیده

حقوق غربی به طور کلی و حقوق انگلیس به طور خاص در برخی احکام تحت تأثیر فقه اسلامی قرار داشته است. این تأثیر در حوزه‌های قضایی، حقوق قراردادها و حقوق کیفری قابل بررسی است. در قرون جدید به دلیل ضعف سیستم قضایی و استعمار جوامع توسط انگلیسی‌ها، استفاده از فرهنگ حقوقی اسلام از سوی قضات و مدرسان انگلستان رواج یافت و ورود قواعد و احکام فقه اسلامی در نظام حقوقی آنان امری مسلم و قطعی است. این مقاله در اثبات این ادعا، از مثال‌های متعدد تاریخی، لفظی، و مفهومی استفاده کرده است.

واژگان کلیدی: فقه اسلامی، حقوق انگلیس، حقوق کیفری، حقوق قراردادها

درآمد

بحث در مورد تأثیر فقه اسلامی در حقوق انگلیس نتایج مهمی در بردارد. این نتایج مربوط به حقیقت دوره‌ای است که مسلمانان در قرن هجدهم در مقابل نیروهای غربی با شکست نظامی مواجه شدند. در زمانی که غرب در تاریکی جهل و بربریت

به سر می‌برد؛ چراغ فروزان تمدن اسلامی دل تیره‌ی اروپا را روشنی بخشید؛ و نه تنها دانش خود را بی‌دریغ در اختیار غربیان قرار داد، بلکه با ترجمه‌ی کتب دانشمندان یونانی به عربی، معارف یونانیان را به غرب، که از یونان و دانش و فرهنگ یونانی بی‌اطلاع بود و به زبان یونانی آشنایی نداشت، انتقال داد. دکتر لکلرک

در کتاب «تاریخ پزشکی» بیش از سیصد کتاب مشهور را نام می‌برد که از زبان عربی به لاتین ترجمه شده بود (بنگرید به: سارتون، ۱۳۵۷). در نخستین سال‌های تمدن اسلامی تازمانی که پیامبر اسلام حیات داشتند، یا اهل بیت آن حضرت و یاران او زنده بودند، دریافت و شناخت حکم الهی با مراجعه‌ی مستقیم به پیامبر و



اهل بیت امکان پذیر بود. پس از رحلت ایشان دگرگونی‌های اجتماعی و روابط بین افراد دچار پیچیدگی‌های نوظهور شد و در هر مورد نیز نص خاص وجود نداشت لذا فقه مترقی و پویای اسلامی پایه‌گذاری شد تا پاسخ‌گوی نیازهای درونی بشر و هماهنگ با حقوق فطری او باشد و بنا بر گواهی تاریخ، سایر نظام‌های حقوقی متأثر و الهام‌گیرنده از فقه اسلام می‌باشند.

حقوق انگلیس هم نمونه‌ای از حقوق غربی متأثر از فقه اسلامی است. در این نوشتار به بررسی نقش تعیین‌کننده‌ی فقه‌های اسلامی در رهبری نهضت حقوقی می‌پردازیم.

نظام حقوقی انگلیس، نظام حقوقی کامن‌لا می‌باشد. مبنای اصلی این نظام را اخلاق ناشی از مذهب و سیاست مربوط به حمایت از فرد و آزادی او دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۸۷). حقوق انگلیس به شدت متأثر از حقوق کلیسا و احکام آیین مسیحیت است. در این نظام، منبع اصلی حقوق، قواعدی است که قضات در دادگاه‌ها اعمال می‌کنند. حقوق انگلیس حقوقی عرفی است و مقصود از عرف، رویه‌ای است که دادگاه‌ها بین خود مرسوم کرده و به آن پای‌بند می‌باشند. در این نظام، اصول حقوقی از قانون نوشته شده ناشی نمی‌شود و قانون مدون استثنای‌های وارد بر عرف محاکم را تعیین می‌کند. لذا برای مطالعه‌ی حقوق انگلیس، به جای مراجعه به قوانین باید رویه‌ی قضات در دادگاه‌ها را بررسی کرد. در این نظام، قضات تا حدی قانون‌گذارند. حقوق کامن‌لا در طول ششصد سال در حال تغییر بوده و آرای صادره از سوی قضات از طریق قیاس و شباهت‌سازی اصول جدیدی را ایجاد کرده است (مهر، هیأت پژوهش‌گران و کاواندیش).

۱. سیر تاریخی

به گواهی تاریخ، نخستین محل از کشورهای اسلامی که انگلیس وارد آن شد، شبه‌قاره‌ی هند بود. در این شرایط آنان با پوشش تجار به تدریج وارد سایر سرزمین‌های اسلامی شدند. تمایل آن‌ها برای دور کردن احکام اسلامی

از دیگر اصول مهمی که حقوق انگلیس از فقه اسلامی تاثیر پذیرفته، تناسب میان جرم و مجازات و تفسیر تردید به نفع متهم است. قاعده‌ی درء در فقه اسلامی می‌گوید: اگر در وقوع جرم یا انتساب آن به متهم و یا استحقاق مجازات وی تردید باشد، حد و مجازات در مورد مرتکب اعمال نمی‌شود.

از اجرای واقعی آن‌ها در این سرزمین، با تاثیر ایشان از مبادی فقه و ورود آنان به قوانین متعارف آن‌ها در کشورشان منافات نداشت؛ زیرا تمدن قوی مسلمین اگر چه از نظر نظامی متعلق به شکست خوردگان باشد، اما فرهنگ و مبادی خود را به تمدن ضعیف‌تر منتقل می‌کنند؛ اگر چه صاحبان آن در میدان جنگ پیروز شده باشند. پیش از اشغال شبه قاره‌ی هند و پاکستان توسط انگلیسی‌ها، در آنجا فقه اسلامی در مذاهب حنفی، شافعی، جعفری و حنبلی ملاک عمل بود و پس از اشغال، انگلیسی‌ها مردم را در پیروی از عادات و قوانین آزاد گذاشتند. در سال ۱۷۷۲ میلادی قانونی وضع شد که به موجب آن مسلمانان در ارث، نکاح و غیر آن به قرآن و عادات و احکام اسلامی عمل کنند. در نتیجه قضات و رجال قانون در حل و فصل دعوی مسلمانان ناگزیر از رجوع به کتب فقهی بودند (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۸۲).

در قرون شانزده و هفده میلادی و پس از آن، فقه اسلامی به درجه‌ای از انسجام و تحول رسیده بود که حقوق اروپایی قابل مقایسه با آن نبود. شاید بتوان مهم‌ترین مشخصه‌های حقوق انگلیس را به این شرح توضیح داد:

۱- وجود انتقام خصوصی و جمعی بودن مسؤولیت؛ زیرا به واسطه‌ی ارتکاب جرم

کلیه‌ی افراد خانواده و حتی قبیله‌ی مجرم در معرض انتقام‌گیری از سوی مجنی علیه و خانواده‌ی او قرار می‌گرفت. بنابر این ارتکاب جرم از سوی یکی از افراد، موجبات مسؤولیت کلیه اعضای خانواده را فراهم می‌آورد؛

۲- بی‌عدالتی در مجازات‌ها و عدم تناسب کیفر با جرم ارتکابی؛

۳- فقدان اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها؛

۴- رواج کیفرهای بدنی و طرد بزهدار از خانواده؛

۵- تقسیم جرایم به سه نوع مذهبی، عمومی و علیه خاندان سلطنت.

در توصیف سیاست کیفری انگلستان در قرن هفدهم میلادی گفته‌اند: «اگر شریعت اسلامی، عصر میانی اسلامی را با نظریه‌ی متکامل خود در مسؤولیت کیفری که عدالت جزایی را در بهترین شکل بر پا کرد روشن نمود، عصر میانی (وسطی) اروپا به عکس، تاریک و ظلمانی و توأم با تجاوز بود و امثال سحر و جادو و شعبده در زمره‌ی جرایمی قرار گرفت که قانون کلیسا برای آن مجازات اعدام را به عنوان انتقام و تکفیر قرار داد. زمانی قدرت در دست پادشاهان و حکام به حدی از بی‌قیدی و استبداد رسید که تضمینات عدالت کیفری از بین رفت. قوه‌ی مجریه مردم را بدون محاکمه به سیاه‌چال‌ها و زندان‌ها می‌انداخت و مظاهر اولیه‌ی عدالت کیفری که مبتنی بر تخلف و اختیار است، از بین رفت. مجانین و نزدیکان جانی را مجازات می‌کردند. شکنجه و فشار برای وادار کردن متهم به اقرار، وسیله‌ی مقرر برای اثبات جرم بود. مجازات اعدام با وسایل وحشتناک مانند سوزاندن مجرم در حال حیات یا بستن او به چهار اسب که او را از چهار طرف بکشند، اجرا می‌شد. این مبانی در سیاست انگلیس حاکم بود. مبنای تناسب جرم و مجازات در انگلیس شناخته شده نبود. لذا برای برخی جرایم ساده، مجازات اعدام پیش‌بینی شده بود. در زمان سلطنت هنری هشتم تعداد اعدام شدگان تا هفتاد و دو هزار نفر شمارش شده است.

شیوه‌های اجرای این مجازات عبارت بود از: قطع سر، دار زدن، سوزاندن، خفه کردن، چهار میخ کردن، پرتاب کردن از بلندی، تکه تکه کردن مجرم با بستن او به اسب. شیوه‌ی قرار دادن مجرم در دیگ آب جوش در سال ۱۵۴۷ میلادی و شیوه‌ی سوزاندن با آتش در سال ۱۷۹۰ میلادی ملغی شد (صالح، ۱۳۴۸: ۶۸). در مقام مقایسه، در این دوران حقوق کیفری اسلامی به درجه‌ی بالایی از ترقی و کمال رسیده بود. ژوزف شاخت به این مساله اعتراف کرده و می‌گوید: «نظام حقوقی امپراطوری عثمانی که نشأت گرفته از فقه اسلامی است، در قرن شانزدهم در سطح بسیار بالایی نسبت به حقوق مشابه خود در اروپا قرار داشت». این برتری با اشاره بسیاری از موضوعات فقهی که احکام عملی را در بر می‌گیرد و برای این احکام به نصوص و عقل و عرف مردم استناد می‌شود، روشن می‌گردد. افزون بر آن، کتب اصول فقه به وسعت و پهنای نظام مدون حقوقی و فقهی مسلمین شهادت می‌دهد. فقیهان اسلام در این دوران بر خلاف غربیان، قواعد اهلیت را که مواخذه‌ی طفل و مجنون، خطاکار و مست را نفی می‌کند بیان کردند؛ مبنای شخصی بودن مجازات را با تفسیر نصوص شرعی که اقتضا دارد کسی بار گناه دیگری را به دوش نکشد و هر انسانی تنها بر اساس عمل خود و نه جنایتی که دیگری مرتکب شده مورد مواخذه قرار گیرد، درک کردند. تا پیش از انقلاب کبیر فرانسه که حقوق انگلیس از آن مستثنی نمی‌باشد و تصویب قانون جزای این کشور در سال ۱۷۹۱، مجازات‌ها ضرورتاً جنبه‌ی شخصی نداشت و گذشته از مجرم، خویشان نزدیک او را در بر می‌گرفت. مبنای این اصل مترقی در فقه اسلامی که سایر مکاتب از آن وام گرفته‌اند، آیات قرآن می‌باشد که: «و لا تکسب کل نفس الا علیها و لاتزروا وازره ووزر اخری» یعنی هر کسی کاری کند، مسؤولیت آن تنها بر دوش خود اوست و کسی بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌گیرد. در سنت نبوی

هم به این اصل مهم اشاره شده است. آنجا که پیامبر صلی‌الله علیه و آله فرمود: «لا یوخذ الرجل بجریره ابیه و بجریره اخیه». هیچ کس به جرم پدر یا جرم برادرش مواخذه نمی‌شود (بنگرید به: فیض، ۱۳۸۹: ۸۳؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۳۳).

از دیگر اصول مهمی که حقوق انگلیس از فقه اسلامی تاثیر پذیرفته، تناسب میان جرم و مجازات و تفسیر تردید به نفع متهم است. قاعده‌ی درء در فقه اسلامی می‌گوید: اگر در وقوع جرم یا انتساب آن به متهم و یا استحقاق مجازات وی تردید باشد، حد و مجازات در مورد مرتکب اعمال نمی‌شود. مبنای این اصل، روایت پیامبر صلی‌الله علیه و آله است که فرمود: «ادروا الحدود بالشبهات» یعنی در صورتی که شبهه‌ای وجود داشته باشد، حد را جاری نکنید. بنا به گفته‌ی صاحب جواهر، شاید علت عدم پذیرش شهادت زنان در فقه اسلامی که مورد انتقاد حقوق دانان غربی واقع شده، آن است که در مورد «حدود» سیاست اسلام تخفیف و آسان‌گیری در زمینه‌ی اجرای مجازات است؛ چرا که فقها از دیر باز تنها هدف مجازات را در اصلاح مجرم و باز داشتن او و دیگران از ارتکاب جرم دانسته‌اند؛ مساله‌ای که حقوق دانان غربی در قرن هجدهم میلادی به آن اذعان نمودند. در فقه اسلامی و بر اساس نصوص، تعداد جرایمی که مجازات قتل دارد، اندک است. فقها مجازات قتل را به جرایمی مانند زنا، محصنه، قتل نفس، محاربه و ارتداد منحصر کرده‌اند، در حالی که حقوق انگلیس در برخی جرایم ساده اعدام وجود داشت.

پس از کامل شدن سیطره‌ی انگلیسی‌ها بر مسلمین، انگلیس سیاست خود را مبنی بر آزادی مردم در عمل به قوانین پیشین خود اعلام کرد. در مورد انگیزه‌های سیاسی این اعلان باید گفت که استمرار اجرای قوانین اسلامی بر آنان تحمیل شد؛ زیرا انگلیسی‌ها در کشور خود قانونی نداشتند تا آن را جایگزین احکام مترقی اسلام کنند. با این حال آنان

پس از تثبیت سیطره‌ی خود بر سرزمین‌های اسلامی، نسبت به تغییر و تبدیل احکام اسلام اقدام نمودند.

۲. ترجمه‌ی تالیفات فقهی^(۱)

در اوایل قرن نوزدهم میلادی سر ویلیام جونز با نظارت جورج کور والبیر به ترجمه کتاب الفتاوی السراجیه تالیف سراج الدین الاودی به زبان انگلیسی اقدام نمود. در سال ۱۸۲۵ میلادی ویلیام مکانتون پاسخ‌های مشاوران حقوقی که مدرس فقه اسلامی بودند را در مقابل قضات انگلیسی که متولی امر قضا بودند جمع‌آوری کرد و تحت عنوان اصول و دادرسی حقوق محمدی^(۲) تالیف نمود. نیل بیلی در سال ۱۸۵۰ میلادی ترجمه‌ی انگلیسی باب بیوع از کتاب الفتاوی العالم گیریه در فقه حنفی را تحت عنوان حقوق فروش^(۳) آغاز و منتشر کرد. سپس در سال ۱۸۶۵ میلادی بخش دیگری از این کتاب را که مربوط به بحث حقوق زمین و اراضی و خراج بود، ترجمه نمود. در سال ۱۸۶۵ میلادی کتابی با عنوان گزیده‌ی فقه اسلامی منتشر شد. در سال ۱۸۷۴ میلادی کتاب شرایع الاسلام تالیف علامه حلی ترجمه شد. سپس آلماریک رامسی دو چاپ از ترجمه انگلیسی کتاب الفتاوی السراجیه را در قرن نوزدهم میلادی منتشر ساخت. ترجمه‌ی این تعداد از کتب فقهی به زبان انگلیسی به تحریک حکومت بریتانیا در اواخر قرن هجدهم میلادی با هدف آگاهی و اطلاع قضات بریتانیایی که در سرزمین‌های اسلامی برای قضاوت تعیین شده بودند صورت گرفت. در این زمان حکومت بریتانیا در کنار قضات انگلیسی از اشخاص خبره و آگاه به فقه اسلامی به عنوان مشاوران حقوقی استفاده می‌نمود تا قضات افزون بر آشنایی به فقه اسلامی، از ترجمه‌ی کتب فقهی بی‌نیاز شوند و توانایی استخراج احکام از منابع اصلی را بیابند.

۳. نمونه‌هایی از تاثیر فقه بر حقوق انگلیس

حقوق قراردادهای در فقه اسلامی و حقوق



انگلیس از شباهت‌های زیادی برخوردار است. بسیاری از مفاهیم حقوق قراردادها در قوانین انگلیس مانند مفهوم عقد، رضای طرفین، قطعی بودن ایجاب، معلوم بودن مورد معامله، قبول، سکوت در برابر ایجاب، اهلیت متعاملین، معاملات صغار، مسائل مربوط به اشتباه، اکراه و تدلیس، در فقه اسلامی سابقه داشته است. پذیرفتن ایجاب‌های متقابل^(۴) در تشکیل قرارداد در حقوق انگلیس، به این معنا که ایجاب با ایجابی دیگر جواب داده شود و ایجاب اولی از بین برود، در فقه اسلامی مورد قبول فقها در تشکیل قرارداد قرار گرفته است (الناصر، ۱۹۹۷: ۷۵).

ایقاع که در فقه اسلامی به عنوان عمل حقوقی با یک اراده شناخته شده است، در حقوق فرانسه منشا تعهد شناخته نمی‌شود و تنها منشا پیدایش التزام و تعهد قانونی عقد است. در حقوق آلمان نیز اراده‌ی واحد منشا تعهد نمی‌باشد، اما در حقوق انگلیس به پیروی از فقه اسلامی، ایقاع منشا تعهد است و عناصر عمومی ایقاع در حقوق انگلیس، بسیار شبیه به فقه اسلامی است. در این خصوص گفته شده است: ایقاع عمل حقوقی و متکی به اراده است. طلاق در فقه اسلامی به اراده‌ی زوج متکی است و به قبول زن نیاز ندارد. در حقوق انگلیس هم طلاق به دست یکی از طرفین محقق می‌شود (صفایی، ۱۳۸۳: ۲: ۱۳۲).

در حقوق انگلیس، شرط موخر^(۵) یعنی رویدادی که در آینده رخ می‌دهد و آن قرارداد به پایان می‌رسد. در فقه اسلامی و در کتب اصول فقه، بحث شرط متاخر از حیث زمان را مانند رضایت متاخر شرط برای امور متقدم مانند صحت بیع فضولی مطرح کرده‌اند (بنگرید به: مظفر، بی تا، ج ۱: ۱۸۲).

به عقدی لازم می‌گویند که هیچ یک از متعاقدین در آن حق فسخ بدون جلب رضایت دیگری را نداشته باشد، طبیعی است که متعاقدین با جلب رضایت همدیگر حق فسخ معامله را خواهند داشت، اما مواردی هم هست

حقوق انگلیس به طور مستقیم و غیر مستقیم از مبانی کلی و قواعد فقه اسلامی به مناسبت شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی در نظام حقوقی خویش بهره برده است. احکام اسلام بر قوانین و رویه‌های قضایی حقوق انگلیس نیز تاثیر عمیقی داشته است.

که برای اخذ طرفین بدون جلب رضایت طرف دیگر حق فسخ هست (بنگرید به: حسینی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۱۰۰: ۲۲۶؛ میر محمد صادقی، ۱۳۸۶: ۸۶).

در عقد لازم هیچ یک از طرفین بدون جلب رضایت طرف دیگر حق فسخ معامله را ندارد و موظف به پای بندی به آن است؛ مبنای پای بندی به عقود لازم، آیه‌ای از قرآن کریم است که می‌فرماید: «ای مومنان به پیمان‌های خود وفا کنید» (نجمی، ج ۲۲: ۲۲۰) نزد فقیهان حنفی و مالکی، به مجرد صدور عقد از طرف عاقدین، انعقاد ثابت می‌شود، ولی فقیهان شافعی و حنبلی را نظر بر این است که وصف لزوم از هنگامی ثابت می‌شود که تفرق فیزیکی طرفین عقد از مجلس حاصل آید (بنگرید به: جزیری، ۱۴۰۶، ج ۱: ۳۸۱).

حقوق انگلیس پیرامون حقوق تعهدات و مباحث مربوط به ضمان قهری از فقه اسلامی تاثیر پذیرفته است.

ضمانت اجرای تعهدات در علم حقوق، قدرتی است که برای به کار بستن قانون یا حکم دادگاه از آن استفاده می‌شود. به تعبیری دیگر، ضمانت اجرا وسیله‌ی مستقیم یا غیر مستقیم برای انجام دادن الزامات قانونی یا قراردادی و یا جبران ضرر و زیان زیان دیده است که این ضمانت اجرا در اغلب سیستم‌های حقوقی، در

قانون یا در توافق و قرارداد متعهد و متعهدله ریشه دارد (فیلیپ لوی، ۱۳۸۶: ۱۳).

تضمینی که قانون گذار به منظور ایفای تعهد در نظر گرفته است و متخلف از تعهد را می‌توان به ایفای تعهد وادار کرد، یا خیاراتی که قانون گذار برای ذوالخیار قائل شده که به استناد آن متعهدله می‌تواند به منظور جلوگیری از خسارت یا افزایش خسارات وارد شده در اثر نقص تعهد، معامله را فسخ کند، ضمانت اجرای دیگر حق حبس است که در تمامی عقود معاوضی مانند بیع و نکاح قابل استفاده است (امیری قائم مقامی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۱۲۶).

ضمانت اجراهای قراردادی در حقوق انگلیس شامل وجه التزام مندرج در قراردادهاست؛ در قراردادهای تجاری معمولاً شرطی گنجانده می‌شود که طبق آن در صورتی که یکی از متعاملین از اجرای آن چه قرارداد به عهده‌ی وی گذاشته خودداری کند، یا به عملی مبادرت ورزد که مطابق قرارداد ممنوع اعلام شده است، باید مبلغی را که در قرارداد معین می‌شود، به عنوان خسارت به طرف مقابل پرداخت کند.

در حقوق انگلیس تقلب ناشی از سوء نیت، مفسد عمل حقوقی از جمله قراردادها است. در فقه اسلامی نیز قاعده‌ی فقهی نقض غرض به این مفهوم است که هر فرد عاقلی که تحقق یا عدم تحقق نتیجه‌ای را به طور جدی می‌خواهد و سرپیچی از آن را مجازات می‌کند، دیگر عقلایی نیست که خود نقض غرض مزبور را تجویز کند و به آن راضی باشد، چه رسد به شارع. مانند کسی که قصد باخواری دارد، نیت خود را در قالب بیع انجام می‌دهد و تصور می‌کند کاری خلاف شرع انجام نداده است. آیات زیادی در قرآن مردم را از نیت بد و اجتناب از ظاهر و باطن گناه بر حذر داشته که مدرک قاعده‌ی نقض غرض است. این مثال‌ها برای اشاره به تاثیر فقه اسلامی در حوزه‌ی معاملات بر حقوق انگلیس کفایت می‌کند.

در حوزه‌ی کیفری نیز تاثیر پذیری حقوق انگلیس از فقه اسلامی قابل توجه است.

حقوق انگلیس تفاوتی بین صغیر و کبیر از نظر مسؤولیت کیفری قائل نبود و در اوایل قرن هجدهم میلادی حقوق دانان غربی، مراحل زندگی انسان را از جهت مسؤولیت شامل مرحله‌ی عدم تمییز، نقص تمییز و مرحله‌ی تمییز کامل تقسیم‌بندی کردند. اساس این تقسیم‌بندی، از فقه اسلامی که با احکام متعدد بین سه مرحله تفکیک شده، اقتباس شده است (میر محمد صادقی، ۱۳۷۶: ۷۴-۷۷).

عبدالقادر عوده از حقوق دانان مصری می‌فرماید: «اسلام اولین شریعت در دنیا بود که سال‌ها پیش از اندیشه‌های نوی حقوق غربی، بین مسؤولیت صغیر و کبیر تمایز کامل قایل شد» (عوده، بی‌تا: ۱۵۲).

در مورد مجنون نیز از ابتدای نزول وحی، تکلیف از او برداشته شد و مجنون مورد خطاب شرع نیست. لذا رفتار او جرم تلقی نمی‌شود. تفکیک بین عاقل و مجنون تا دو قرن پیش

در اروپا شناخته شده نبود. حتی مکتب کیفری کلاسیک که سزار بکاریا در کتاب «جرایم و مجازات‌ها» بنیان گذاشت، این تفکیک را نمی‌شناخت. مکتب کلاسیک جدید به رهبری ایمانوئل کانت به لزوم تفاوت بین مسؤولیت مریض عقلی و شخص عادی دعوت نمود که قوانین کیفری غرب برای این تفکیک حدود نیم قرن زمان صرف کرد.

در فقه اسلامی اقرار متهم باید بدون هیچ‌گونه اکراهی باشد و گرنه در امور مدنی یا کیفری نافذ نخواهد بود. در حدیثی از علی علیه‌السلام نقل شده است: کسی که در برابر زندان، ترس یا تهدید اقرار کند، بر او حد جاری نمی‌شود. اجبار شخص به شهادت، اقرار و سوگند مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار و سوگندی فاقد اعتبار است. در حقوق انگلیس اقرار به دو نوع اقرار اختیاری و غیر اختیاری تقسیم شده است. اقرار اختیاری اقراری است با طیب خاطر و آزاد از هر گونه علت خارجی مانند اکراه و تطمیع یا

تهدید که با این اقرار آثار آن تحقق می‌پذیرد. در مقابل، اقرار غیر اختیاری اقراری است ناشی از وعده، ترس، شکنجه که این اقرار اعتباری ندارد.

برآمد

۱- قوانین فقه اسلامی به نسبت قوانین غربی از جمله حقوق انگلیس، بسیار پیشرفته و منطبق با عقل و فطرت الهی بشر بوده و در برهه‌ای از زمان، پیوندی محکم بین قضات و حقوق دانان انگلیس و آگاهان به فقه اسلامی در کشورهای اسلامی پدید می‌آید که در نتیجه باعث ترجمه‌ی آثار فقهی و تاثیر احکام فقهی بر قوانین انگلیس گردید.

۲- حقوق انگلیس به طور مستقیم و غیر مستقیم از مبانی کلی و قواعد فقه اسلامی به مناسبت شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی در نظام حقوقی خویش بهره برده است. احکام اسلام بر قوانین و رویه‌های قضایی حقوق انگلیس نیز تاثیر عمیقی داشته است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. در مورد ترجمه‌ی «تالیفات فقه اسلامی» به زبان انگلیسی، بنگرید به: Ahnides , Mohammadan theories of finace , Lahore , 1961 ; Sir Roland Knyvet Wilson , Mohammadan law , Lahore , Sixth edition , p.41-46
- 2- Principles and precedents of mohammadan law
- 3- law of sale
- 4- Counter offere
- 5- Condition subseuent

فهرست منابع:

۸. عوده، عبدالقادر، التشریح الجنایی الاسلامی، بیروت: موسسه الرساله، بی‌تا.
۹. فیلیپ لوی، کاستادلو، آندره، تاریخ حقوق تعهدات، برگردان: رسول رضایی، تهران: مهر و ماه نو، ۱۳۸۶.
۱۰. فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۸۹.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، تهران: دانشکده‌ی علوم اداری و مدیریت، ۱۳۷۸.
۱۲. میر محمد صادقی، حسین، مروری بر حقوق قراردادهای انگلستان، تهران: حقوق دان، ۱۳۸۴.
۱۳. میر محمد صادقی، حسین، مسائل تحلیلی از حقوق قراردادهای انگلستان (ترجمه و توضیح)، تهران: میزان، ۱۳۸۶.
۱۴. میر محمد صادقی، حسین، مروری بر حقوق جزای انگلستان، تهران: حقوق دان، ۱۳۷۶.
۱۵. مظفر، محمدرضا، اصول فقه، جلد نخست، بی‌تا، بی‌جا.
۱۶. ناصیف، الیاس، موسوعه العقود المدنیه و التجاریه، بی‌تا، بی‌جا، چاپ دوم، ۱۹۹۷ میلادی.
۱۷. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد بیست و دوم، واعظزاده خراسانی، محمد، المعجم فی فقه لغه القرآن و سر بلاغته (زیر نظر)، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۹. هیات پژوهش گران کاو اندیش، نظام حقوقی انگلستان، برگردان: نسرین مهرا، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
20. Anson,beat son,law of contract,oxford,27th edition,1996*
21. Barker.d.l.a.and padfield,law made simple,planta tree,thenth edition,1998*
22. Schacht,joseph,the origin of m uhammadan jurisordence, london,1953*

۱. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.
۲. انصاری، مرتضی، المکاسب المحرمه، چاپ سنگی، بی‌تا، بی‌جا.
- * بهرامی احمدی، حمید، قواعد فقه: قاعده لاضرر، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۹۰.
۳. جان آدامس، راجر براون اسواد، تحلیل حقوق قراردادهای، مترجم: مجید پور استاد، قم: مدین، ۱۳۷۶.
۴. جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت: دارالاحیاء و التراث العربی، ۱۴۰۶ هجری قمری.
۵. حسینی شیرازی، محمد، الفقه (حقوق)، دارالعلوم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ هجری قمری.
۶. سارتون، جورج، مقدمه‌ای بر تاریخ علم، برگردان: غلام حسین صدیقی افشار، تهران: هدهد، ۱۳۵۷.
۷. صالح، علی پاشا، مباحثی از تاریخ حقوق، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- * صفایی، حسین، حقوق خانواده (دو جلدی)، تهران: دانشگاه تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۳.